

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه هفتم، ۱۴۰۲/۱۰/۰۴

موضوع: فقه المشاوره/مباحث مقدماتی مشاوره /تعریف مشاوره

1- حدیث اخلاقی (سمع و بصر)

1.1- بهترین نگاه‌ها، نگاه همراه با خیر

«أَلَا إِنَّ أَبْصَرَ الْأَبْصَارِ مَا نَفَدَ فِي الْخَيْرِ طَرْفُهُ. أَلَا إِنَّ أَسْمَعَ الْأَسْمَاعِ مَا وَعَى التَّذْكَيرَ وَقَبْلَهُ [1].»
«آلا» در لغت عرب به معنای توجه-توجه است؛ یعنی مطلب بعد از آن، قابل توجه است. بیناترین چشم‌ها آن چشمی است که نگاهش، نگاه خیر و خیرخواهانه باشد. از این فرمایش می‌توان این برداشت را داشت که نگاه‌ها متعدد است. بهترین نگاه آن است که طرف را به خیر و خوبی وادار کند.

1.2- لزوم کنترل نگاه

از بندرهای ورودی انسان، چشم ما است. سیما به جان وارد می‌شود. بهترین چشم‌ها آن است که دعوت به خیر کند. در مقابلش بدترین چشم‌ها آن است که شیطان در آن تصرف کند. «سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إبْلِيسَ [2].» نگاه‌های آلوده، تیری از تیرهای ابلیس است. نعوذ بالله من سيئات أعمالنا و شرور انفسنا.

ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هرچه دیده بیند، دل کند یاد [3].

هرزه‌بینی، بیماری‌ای است که قابل سرایت است. باید خیرین باشیم. دل، صحیفه‌ی نقاشی چشم است. «الْقَلْبُ مُصْحَفُ الْبَصْرِ [4].»

1.3- بهترین شنیده‌ها، شنیده‌ی همراه با پذیرش تذکر

«أَلَا إِنَّ أَسْمَعَ الْأَسْمَاعِ مَا وَعَى التَّذْكَيرَ وَقَبْلَهُ»؛

شنواترین گوش‌ها آن است که تذکر را بشنود و بپذیرد و دریابد. بندر گوش و چشم را باید مراقبت کرد. خداوند هم سمیع بصیر است. انسان نیز از سمع و بصر به جاهایی می‌رسد. اگر مراقب اندیشه‌های مان باشیم، تبدیل به انگیزه‌های خوب می‌شود. این انگیزه‌ها انسان‌ساز است. مراقب چشم و گوش خود باشیم و خیرخواه باشیم. هر چیزی را گوش نباید بشنود و بپذیرد. مطالب خوب را باید بشنود و بپذیرد.

1.4-1. سمع و بصر، راه شهود عرفا

جالب اینجا است که شهود عرفا در کرامات و مشاهدات، همانند تجربه‌ی تجربه‌گران در امور مادی است. چطور تا تجربه نکنند، می‌گویند نمی‌شود. آنچه در مقام شهود و معرفت اتفاق می‌افتد، از راه چشم و گوش است. بکوشید چشم و گوش برزخی‌تان باز شود. چنان که چشم و گوش دنیایی داریم، این بستر برای چشم و گوش برزخی‌تان است. اگر چشم و گوش برزخی‌تان باز بشود، هنیئاً لکم. در محضر اساتیدی بودیم که قصد رسیدن و دیدن ایشان را که داشتیم، می‌دیدم که ایشان مطلع هستند. گوش، آن قدر شنوا هست؛ مانند اینکه حضرت یعقوب (علیه‌السلام)، بوی حضرت یوسف (علیه‌السلام) را استشمام می‌کردند [5].

2- خلاصه جلسه گذشته

در قرآن، سه آیه داریم که در آن، ماده‌ی «شور» مطرح شده است. در روایات نیز زیاد است که ان‌شاءالله مطرح خواهیم کرد.

3- حقیقت لغوی و عرفی بودن مشاوره

در مشاوره مانند برخی دیگر از مباحث دیگر، قائلیم که حقیقت شرعی و متشرعه نداریم؛ بلکه حقیقت لغوی و حقیقت عرفیه است.

4- ضروری بودن مشاوره

به نظر ما بحث مشاوره و مشورت، ضرورت است و نیاز بشر است. مدنی بالطبع بودن انسان اقتضا دارد در هر جهتی از جهات، رجوع به غیر کند.

مشاوره، یک ضرورت متداول و همیشگی است. هیچ‌کسی در زندگی نبوده، الا اینکه بارها مشاوره داشته است. این انسان، دارای مشاوره‌های مختلفی است.

مشاوره را در لغت بیان کردیم. حقیقت عرفی‌اش را هم نیاز و ضرورت عرفی و اجتماعی می‌دانیم. وقتی کسی نیاز دارد و کمکی از کسی می‌گیرد، مشاوره صدق می‌کند.

5- عدم تعریف ماهوی و حقیقی برای مشاوره

مشاوره، تعریف ماهوی به جنس و فصل و أعراض خاص ندارد. اگر تعریفی باشد، شرح الاسم است. مشاوره، قابل تعریف نیست؛ نه اینکه دون تعریف است؛ بلکه فوق تعریف است. مشاوره را از حالات وجود شیء می‌دانیم. تعریف جنسی و فصلی ندارد. در نتیجه مشاوره به امر وجودی افراد باز می‌گردد؛ هرچند آثار ماهوی دارد، ولی تعریف ماهوی ندارد. مفهوم

مشاوره را جزو مفاهیمی می‌دانیم که وقتی سخن از آن می‌آید، معنایش روشن است؛ مانند وجود که مفهومی، آعراف اشیاء است و شناخته شده است.

6-تعریف اصطلاحی مشاوره

فرایند، آسیب‌شناسی، کمک در آسیب‌ها، باورانه است، یا یاورانه. هرچه در تعریف مشاوره گفته‌اند، همه تعریف به لوازم مشاوره است. مشاوره، رجوع شخصی به شخص دیگر، یا جمعی به جمع دیگر برای کنجکاوی و جستجو و به دست آوردن مفاهیمی که مشخص نیست. رجوع شخص یا جمعی به شخص، یا جمعی مشاوره می‌شود. رجوع جاهل به عالم را قید نمی‌دانیم. گاهی یکی عالی از یک دانی مشورت می‌گیرد.

مشاوره در جهان اسلام، اعم از مشاوره‌های اصطلاحی است و این مشاوره‌ی مصطلح، قسمی از این مشاوره در اسلام است. در مشاوره، حتماً مراجعه هست، ولی با خصوصیات خاص. در کلی طبیعی نظرمان این شد که موجود به وجود نفسانی است؛ نه موجود به وجود فردانی. تفتازانی، نظر دوم را دارد. کلی طبیعی با کلی عقلی و منطقی این است که کلی عقلی و کلی منطقی، وجود ذهنی دارند.

مراجعه‌ی یک نفر به دیگری، چه برای تایید باشد و چه تأمین نظر، چه حل مشکل و غیر آن، مشاوره است.

7-بهترین نوع مشاوره

بله، بهترین نوع مشاوره آن است که جاهل از عالم نظر بگیرد. رابطه‌ی مشاوره در اسلام و مشاوره‌ی مصطلح، عام و خاص مطلق است. مشاوره، گاهی به جهتی از علوم اعتباری است و گاهی به جهتی از امور حقیقی است. مشاوره رازیرمجموعه‌ی کدام علم باید قرار داد؟ مشاوره، مفهومی به لحاظ افراد مشخص است که فوق زمان و اعتبارات است. امری ضروری و فطری است. انسان‌ها مراجعه برای رفع مشکل را انجام می‌دهند. مشاوره، مولود نیاز است. هم ضروری است و هم مراتب مختلف دارد. جزو علوم انسانی است.

8-تاریخ مشاوره

یکی از کارهای خوب شهید مطهری (رحمه‌الله) - استادمان - این بود که در هر بحثی، تاریخچه‌ی بحث را می‌گفتند. معتقد بودند تاریخچه در حل مباحث، کارساز است.

تاریخچه مشاوره به عنوان یک علم مدوّن در نظر دارید، یا خیر؟ به لحاظ علم، متاخر است و به لحاظ غیر آن، اولین مشاوره، ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ [6] است.

9- برخی از کارکردهای مشاوره

باید در مشاوره، دنبال مثبت‌اندیشی باشیم. نگاه منفی هم برای رسیدن به مثبت است. مشاوره، گاهی اخلاقی است و گاهی سیر و سلوکی و گاهی در زمینه‌های دیگر. مشاوره برای رفع آسیب است. کسی که مشورت می‌دهد، می‌خواهد باور او را تغییر دهد.

10- معنای مشاوره در اصطلاح

رجوع شخصی به شخصی یا اشخاص با اشخاص، مشاوره می‌شود. مشاوره‌ی اصطلاحی، یعنی فردی آسیب‌دیده و مُراجعی به مشاور مراجعه می‌کند.

11- اضلاع مشاوره

1. مشاور

2. مراجع

3. حضرت حق تعالی

هیچ کس از ذات باری تعالی اعلم نیست.

مشاوره، چون جنس و فصل ندارد، تعریف حقیقی ندارد؛ ولی حقیقت عرفی دارد.

[1] نهج البلاغه، الدشتی، محمد، ج ۱، ص ۹۳، خطبه ۱۰۵.

[2] سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، القمی، الشیخ عباس، ج ۸، ص ۲۷۳.

[3] باباطاهر، دوبیتی‌ها، دوبیتی شماره ۲۳.

[4] نهج البلاغه، الدشتی، محمد، ج ۱، ص ۳۷۸، حکمت ۴۰۹.

[5] سوره یوسف، آیه ۹۴.

[6] سوره بقره، آیه ۳۰.